

بررسی ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر

محمد لطیف مطهری

دانشپژوه دکتری فقه تربیتی

چکیده:

موضوع امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، یک امر مهم و حیاتی و در عین حال ظریف و آسیب پذیر می باشد که در صورت ترک آن ممکن است ضررهای اجتماعی و انفرادی جبران ناپذیری به دنبال داشته باشد. از مسایل مهم امر به معروف، تشخیص درست شرائط وجوب آن می باشد، اگر این مهم لحاظ نگردد، دو ضرر اساسی را در پی خواهد داشت: ۱- موجب ترک خود فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر می شود

۲- موجب فساد در جامعه می شود. اگر آن شرائط درست و با روش دقیق و با شناخت موقعیت زمان و مکان طبق نیاز جامعه اجراء شود جامعه رو به تکامل و پیشرفت خواه رفت. فریضه امر به معروف و نهی از منکر از طریق ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) اثبات می گردد. در اغلب کتب فقهی باندکی اختلاف علماء و فقهاء شیعه چهار چیز را بعنوان شرائط خصوصی وجوب امر به معروف و نهی از منکر مطرح در نظر گرفته اند که عبارتند است از: ۱- علم به معروف و منکر ۲- احتمال تاثیر ۳- قصد ادامه و استمرار گناه ۴- عدم وجود مفسده و ضرر جدی برای آمر و ناهی. برخی از فقهاء شرط اول (علم به معروف و منکر) و شرط سوم (قصد ادامه و استمرار گناه) را قطعاً معتبر می دانند اما شرط دوم (حتمال تاثیر) و شرط چهارم (عدم وجود مفسده و ضرر جدی برای آمر و ناهی) را با شناخت موارد اهم و مهم واجب می دانند.

واژگان کلیدی: امر، نهی، معروف، منکر، وجوب، واجب.

مقدمه:

امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهمترین و اساسی ترین فرائض و واجبات الهی در کنار فرائض دیگر مانند نماز، روزه، حج و جهاد می باشد. با توجه به فلسفه خلقت انسان که طبق بیان قرآن کریم عبودیت و بندگی است و از طرفی وجه تمایز انسان با سایر موجودات به ناطق و عاقل بودن انسان و حرکت او به سوی کمال می باشد، اهمیت و جایگاه این دو فریضه الهی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تبیین و روشن می گردد. از آنجایی که انسان غافل است و به دلیل عارض شدن نسیان بسیاری از مواردی که مفید برای اوست فراموش می کند بنابراین امر به معروف و نهی از منکر جزء ضروریاتی است که در جهت نیل به کمال برای هر انسانی ضرورت پیدا می کند. از این رو است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضه عظیم بها تقام الفرائض...» (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵) یعنی امر به معروف و نهی از منکر واجب عظیم و بزرگی است که بر پایی سایر واجبات به آن بستگی دارد. از تعبیر (بها تقام الفرائض) چنین استفاده می شود که امر به معروف و نهی از منکر از لوازم حکومت اسلامی به شمار می رود.

قرآن کریم در آیه های فراوانی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است که در این جا به برخی از این آیات می پردازیم:

۱. (يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران، ۱۱۴)

به خدا و روز واپسین ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آنها از صالحانند.

۲. وَتُكِنُّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند. و آنها همان رستگارانند.

۳. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران، ۱۱۰)
شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ چه اینکه امر به
معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

۴. (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ
الْبَغْيِ يَعِظُكُمُ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) (نحل، ۹۰)
خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر
و ستم، نهی می‌کند.

از مجموع آیات فوق چنین بر می‌آید که امر به معروف و نهی از منکر از منظر
قرآن کریم دارای اهمیت است و همه‌آحاد جامعه اعم از دولتمردان و عموم مردم را
شامل می‌شود.

مفهوم شناسی

۱. واژه امر

امردر درقرآن کریم به معانی متعددی آمده است.

۱. واژه امر به معنی، دستور، فرمان و حکم آمده است و ضد آن نهی به معنایی منع می
باشد در این معنی جمع آن (اوامر) می‌آید. (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۲۰۸) در برخی از
آیات کلمه امر به این معنی آمده است. مثل قوله تعالی: (قُلْ أَمْرِي بِالْقِسْطِ..)(اعراف/۲۹)
۲. واژه امر به معنی کار، شئی، حادثه، شأن و حال آمده است. در این صورت جمع آن
(امور) است از این فعل صفت مشتق نمی‌گردد. در برخی از آیات به این معنی هم
استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۴) مثل قوله تعالی: (وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ). (آل
عمران، ۱۵۹)

۳. گاهی واژه امر به معنی ابداع و خلق نمودن آمده است. (راغب اصفهانی ۱۴۲۴)
مثل قوله تعالی: (الْأَلَّةُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ)(اعراف، ۵۴) (قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي). (اسراء، ۸۵)
۴. واژه امر به معنی وعده هم آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸،) مانند: (أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ
فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ)(نحل، ۱)

بنابراین آنچه که مربوط به بحث ما است همان معنی اول می باشد.

۲- واژه نهی

۱. نهی خلاف امر که معنی بازداشتن و منع کردن از چیزی بوسیله گفتار یا عمل (راغب، همان) مثل قوله تعالی: (وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى) (نازعات، ۴۰)

۲. الانتهاء (مصدر باب الافتعال) دست کشیدن از کاری یا چیزی مثل: انتهاء القوم عن المنکر یعنی همدیگر را از زشتی بازداشتند (راغب، همان)
۳. التناهی. یعنی همدیگر را از نهی کردند. ت ناهو و عنامنکر، هم دیگر را از منکر بازداشتن (ابن منظور، همان)

۳. واژه معروف

کلمه معروف از ماده عرف گرفته شده است و عرف در قرآن ۷۱ بار بکار گرفته شده است و کلمه معروف ۳۹ بار استفاده شده است.

ابن منظور در لسان العرب می گوید: معروف عبارت است هر آنچه که نفس از امور خیر می شناسد و بدان انس می گیرد و آرامش می یابد. (ابن منظور، همان)

۱. اگر معروف را از معرفه بگیریم در معانی ذیل استعمال شده است.
۱. سکون، اطمینان آرامش و مانوس (ابن فارس، ۱۰۰۹)^۲. بوی خوش (راغب همان)^۳. میانه روی در جود (همان)^۴. احسان و نیکی (ابن منظور، همان)^۵. جود، بخشش و انفاق (همان)^۶. مشهور و شناخته شده.

۲. اگر معروف را از عرف بگیریم باز هم در معانی متعدد بکار گرفته استمانند یال و موی گردن (همان) دنبال هم آمدند (ابن فارس، همان) اعتراف و اقرار (همان) عرف یعنی عرف اللسان و عرف الشرع، رسم و عادات و معروف ضد منکر هم آمده است.

۴. واژه منکر

واژه منکر از نکره گرفته شده است و معنی آن شناخته شده و ناشایسته می باشد. (راغب، همان)

ابن فارس می گوید: (نكرة الشئى و النكرة لم يقبله قلبه و لم يعرف به لسانه) منکر چیزی است که نه دل قبول می کند و نه زبان اعتراف می کند بلکه از آن نفرت دارند. (ابن فارس، همان)

معنی اصطلاحی امر و نهی

۱. امر

امربارت است از طلب الفعل از دیگری بادر نظر گرفتن بلند مرتبگی خودش و طلب کردن کسی که در مرتبه ای پایین تر و یا مساوی قرار گرفته باشد امر گفته نمی شود مگر اینکه امر به صورت مطلق باشد.

۲. نهی

نهی عبارت است از طلب ترک کردن و بازداشتن دیگری از کاری .

۳. معروف

راغب اصفهانی می گوید: (المعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه و المنکر ما ينکر بهما) (همان) هر کاری که خوبی آن بوسیله عقل و یادین شناخت شود معروف نام دارد و آنچه که بوسیله عقل یا شرع مورد انکار و تقبیح قرار گیرد منکر نام دارد.

۴. منکر

(المنکر هو كل فعل تحکم العقول الصالحة بقبحه او تتوقف فی استقباحه و استحسانه العقول فتحکم لقبحه الشریعة) (همان) هر عملی را که عقل صحیح و سالم به زشتی و قبح آن حکم نماید منکر نامیده می شود اگر عقل نداند و مردد بماند که آیا این کار خوبی است یا نه؟ آن وقت شریعت به بدی و ناپسندی آن حکم کند آن نیز منکر است.

بنابراین معروف آن است که خوبی آن بوسیله عقل یا شرع شناخته شده باشد و در دین شامل واجبات و مستحبات می گردد و منکر آن است که به خوبی شناخته نشده بلکه به زشتی و بدی معرفی شده باشد چه بوسیله عقل باشد یا شرع یا هر دو لذا ملاک تشخیص آن دو واژه عقل و شرع است.

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

در عصر غیبت، سیره‌ی علماء و فقهاء این بوده است که احکام الهی در مورد رفتار مکلفینرا از طریق ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) بدست آورند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از رفتارهای است که حکم آن از این طریق بدست آمده است. اگرچه در وجوب امر به معروف و نهی از منکر بین علماء و فقهاء امامیه هیچ اختلافی وجود ندارد بعنوان نمونه نظر چهار نفر از فقهاء را ذکر می نماییم و بعد از آن توسط ادله اربعه وجوب آن بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. شیخ طوسی^(ره)

فقیه و محدث بزرگ شیخ الطائفه (م ۴۶۰ه.ق) می فرماید: (والامر بالمعروف والنهی فیضان عن فرائض الاسلام) (شیخ طوسی، ۱۴۰۰) امر به معروف و نهی از منکر دو واجب از واجبات اسلام است.

۲. قاضی عبدالعزیز بن براج (۴۰۰-۴۸۱ه.ق)

ایشان می فرماید: (و اعلم ان من جمله فرائض الاسلام الامر بالمعروف و النهی عن المنکر) (قاضی ابن براج، ۱۴۰۱) بدانکه از جمله واجبات اسلام، یکی هم امر به معروف و نهی از منکر است.

۳. ابن ادریس حلی (و ۵۹۸ه.ق)

ایشان می فرماید: (الامر بالمعروف و النهی عن المنکر واجب بلاخلاف بین الامه) (ابن ادریس، ۱۴۱۰) امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه واجب اند و درباره وجوبشان در بین امت اختلافی نیست

۴. سید احمد خوانساری

ایشان می فرماید: (واما وجوبهما فی الجملة فهو من الضروریات) (خوانساری، سید احمد، ۱۳۶۴، ص ۳۹۹) وجوب امر و نهی از ضروریات دین است مستند و تکیه گاه همه علماء و فقهاء در (قول به وجوب امر و نهی) ادله اربعه است.

دلالت ادله اربعه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر

۱. قرآن کریم

آیات قرآن درباره دوفریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر بسیارند. برخی از آنها با صراحت بر وجوب امر و نهی دلالت دارند. امام خمینی^(ره) در کتاب امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: که ۱۱۳ آیه صریح بر وجوب امر و نهی دلالت دارند (تبیان دفتر ۲۱، ۱۳۷۷)

برخی از آیات قرآن کریم اشاره به وجوب آن فریضه الهی دارد و برخی برفضیلت و مذمت ترک این دو دلالت دارند. ما در این تحقیق فقط آیاتی که به صراحت بر وجوب امر به معروف دلالت دارند ذکر می‌کنیم.

۱. (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (آل عمران، ۱۰۴)

باید از میان شما طایفه‌ای باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نموده، امر به معروف و نهی از منکر کنند. و این طایفه همانا رستگارانند.

در معنی معروف و منکر چند قول ذکر کرده‌اند:

الف. هر چه را خدا و رسول او امر فرموده‌اند معروف است و هر چه را نهی کرده‌اند منکر می‌باشد.

ب. معروف چیزی است که حسن و نیکی آن از نظر شرع و عقل شناخته و معلوم است و منکر چیزی است که عقل و شرع آن را بد شمارد. این معنی در واقع به معنای اول برمی‌گردد.

از حضرت امام ششم علیه السلام روایت شده که «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ - ائمه‌ای باید از شما باشند» و در بیان آیه دیگر نیز بجای كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ در این آیه دلالتی روشن است بر وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و اهمیت و موقعیت آن دو از نظر دین، زیرا خداوند رستگاری مسلمین را به این دو مربوط دانسته.

بیشتر متکلمان این دو را واجب کفایی می‌دانند و بعضی هم واجب عینی شمرده‌اند و این قول را شیخ ابو جعفر اختیار کرده.

قول صحیح این است که وجوب این دو فریضه نقلی است که باید از قرآن و سنت وجوب آن دانسته شود ولی عقل دلالت بر وجوب آن ندارد مگر در زمینه‌ای که از راه دفع ضرر باشد.

ابو علی جبایی گوید: وجوب آنها عقلی است و دلیل سمعی تأکید حکم عقل (است) طبرسی، ۱۹۳، ۱۳۳۶ آیا امر به معروف یک وظیفه عقلی است یا تعبدی؟
جمعی از دانشمندان اسلامی معتقدند که وجوب این دو وظیفه تنها با دلیل نقلی ثابت شده، و عقل فرمان نمی‌دهد که انسان دیگری را از کار بدی که زیانش تنها متوجه خود او است باز دارد.

ولی با توجه به پیوندهای اجتماعی و اینکه هیچ کار بدی در اجتماع انسانی در نقطه خاصی محدود نمی‌شود، بلکه هر چه باشد همانند آتشی ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند، عقلی بودن این دو وظیفه مشخص می‌شود.

به عبارت دیگر: در اجتماع چیزی به عنوان ضرر فردی وجود ندارد، و هر زیان فردی امکان این را دارد که به صورت یک زیان اجتماعی درآید، و به همین دلیل منطق و عقل به افراد اجتماع اجازه می‌دهد که در پاک نگه داشتن محیط زیست خود از هر گونه تلاش و کوششی خود داری نکنند.

اتفاقاً در بعضی از احادیث به این موضوع اشاره شده است. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم چنین نقل شده که فرمود: "یک فرد گنهکار، در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود، و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است پردازد، و هر گاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می‌کنم! اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند."

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم با این مثال جالب منطقی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را مجسم ساخته، و حق نظارت فرد بر اجتماع را یک حق طبیعی که ناشی از پیوند سرنوشتهاست، می‌داند.

در این آیه ازدو جهت دلالت بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد:

۱. واژه (ولتکن) که لفظ امر است و امر ظاهرش بر وجوب دلالت می کند.

۲. انحصار راستگاری در این عمل می باشد. (أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) یعنی کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند راستگارانند (يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ) کلمه خیر یکی از مصادیق بارز معروف است و در آیه مبارکه مراد از خیر عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر زیرا که جمله (يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ) بیان است برای (يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ) بنابراین هر که امر به معروف و نهی از منکر کرده بر (يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ) عمل کرده و هر کسی که این کار را بکند راستگار است. (مکارم شیرازی، و راستگاری از انجام وظائف عمل کردن به احکام خمس به دست می آید.

۲. (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ.....) (آل عمران، ۱۱۰) شما از ازل بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید. چون امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

۱. آیه بر روشنی بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد به دلیل اینکه امر به معروف و نهی از منکر بر ایمان بخدا مقدم داشته شده و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است، و این تقدیم شاید اشاره باشد که ایمان کامل به خدا در پرتو امر به معروف و نهی از منکر به دست خواهد آمد (نوری همدانی، ۱۳۷۷)

۲. اما چرا این امت بهترین امتها باید باشد آن نیز روشن است زیرا امت اسلامی دارای آخرین دین از ادیان الهی و آسمانی است رو به تکامل دارد، بلکه کاملترین و پسنندیده ترین دین است که روز غدیر خم به حکم خدا سند (اکملت لکم دینکم) را گرفته و به کمال خود رسیده و مهر اتمام نعمت زده شده است لذا امت اسلامی را بهترین امت معرفی کرده، امر به معروف و نهی از منکر را برای آنها بخاطر اکتساب سعادت و کمال واجب کرده است.

۳. نکته جالب توجه اینکه در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین "امتی" معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است، و دلیل بهترین امت بودن آنها این

ذکر شده که " امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان بخدا دارند " و این خود می‌رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت بحق و مبارزه با فساد ممکن نیست، و ضمناً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آئینهای پیشین نبوده است.

۴. مسلمانان تا زمانی یک " امت ممتاز " محسوب می‌گردند که دعوت به سوی نیکیها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند، و آن روز که این دو وظیفه فراموش شد نه بهترین امت اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۰) ضمناً باید توجه داشت که مخاطب در این آیه عموم مسلمانان هستند، همانطور که سایر خطابات قرآن چنین است، و اینکه بعضی احتمال داده‌اند که مخصوص مهاجران یا مسلمانان نخستین باشد هیچگونه دلیلی ندارد.

۵. انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است.

۶. این دو وظیفه اجرا نگردد ریشه‌های ایمان در دلها نیز سست می‌گردد، و پایه‌های آن فرو می‌ریزد، و به همین جهات بر ایمان مقدم داشته شده است.

۳. (يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران، ۱۱۴) این آیه نیز به سه وجه دلالت دارد:

اول: در مقام مدح و ستایش از اهل ایمان این ویژگی بیان می‌شود.
دوم: امر به معروف و نهی از منکر در عداد یکی از مهمترین و والاترین امور یعنی ایمان به خدا ذکر شده است.

سوم: کسانی که چنین خصوصیتی دارند را از صالحین شمرده است.
۴. (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يُأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ..) (اعراف، ۱۵۷) در این آیه شریفه نیز در مقام تمجید و ستایش رسول خدا، این دو مسئله بیان شده است.

۵. (فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ) (اعراف، ۱۶۵) در این آیه شریفه نیز نهی از منکر عامل نجات شمرده شده است که نشان از اهمیت آن دارد.

۶. (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه، ۷۱) دو وجه بر دلالت وجود دارد

اول: در مقام ستایش و تمجید مومنین و مومنات ذکر شده است.

دوم: از آیه استفاده می شود امر به معروف و نهی از منکر کردن مسبب از این است که مومنین و مومنات بعضی اولیا بعض هستند.

سوم: ذیل آیه شریفه دلالت بر این دارد که واجد این صفات بودن قابلیت دریافت رحمت بی نهایت خداوند را ایجاد می کند.

۷. خداوند متعال در مقام برشمردن بندگان خاص و ویژه خودش می فرماید:

(التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ) (توبه، ۱۱۲) اولاً در مقام ستایش این اوصاف ذکر شده است. ثانیاً «بشر المؤمنین» دلالت بر مؤمن بودن چنین افرادی دارد.

۸. (الَّذِينَ إِنْ مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ) (حج، ۴۱) می فرماید اگر به آنها قدرت دهیم امر به معروف و نهی از منکر می کنند. وقتی چنین عملی را از ویژگی حاکمان می شمارد معلوم می شود بسیار اهمیت دارد.

این آیه دلالت بر این دارد که به طریق اولی حاکمان موظف به امر به معروف هستند زیرا تمکین آنها بیشتر است.

۹. (يَا بَنِي إِدْرِيسَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (لقمان، ۱۷) گر چه این کلام را حضرت لقمان به فرزند می فرماید؛ اما از توجه به این که قرآن، کلام او را نقل می کند و وی نیز یا نبی است و یا

حکیم مورد قبول قرآن، معلوم می شود این سخن درستی است و عظمت و اهمیت دارد و خداوند متعال آن را تصدیق می فرماید.

در آیات ذکر شده به صراحت کلمه امر به معروف و نهی از منکر یا یکی از آنها ذکر شده است.

۲. سنت

یکی از ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر که علماء و فقهاء به آن استناد کردند روایات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد. راجع به امر به معروف و نهی از منکر روایت فراوانی داریم که در کتب حدیثی عامه و خاصه ابوابی جداگانه به آن باز کردند. این روایات اگر به صورت موضوع بندی تجزیه و تحلیل بشود بر سه دسته تقسیم می شوند.

دسته اول: روایاتی است که بروجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند. دسته دوم: روایاتی هستند که اهمیت و فضیلت این دو فریضه الهی را بیان می کنند. دسته سوم: روایاتی هستند که مشتمل بر مذمت ترک و عواقب شوم این دو فریضه مهم دلالت دارند (نوری همدانی، همان، ص ۳۴). ما فقط بعضی احادیث و روایاتی که صراحتاً بروجوب امر و نهی دلالت دارند را بیان خواهیم کرد.

۱. (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى) (حر عاملی، وسائل، ج ۱۱، ص ۳۴۹)

رسول خدا فرموده اند هرگاه امت من از انجام امر به معروف و نهی از منکر سرپیچی کنند و آن را به یکدیگر واگذار نمایند، گویا با خداوند اعلان جنگ داده اند.

نسخه های مختلف روایت

این روایت در کتابهای کافی، تهذیب، عقاب الاعمال نقل شده است. صاحب وسائل

نیز در باب اول از ابواب امر به معروف حدیث پنجم نقل فرموده سپس می فرماید:

(وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ وَ كَذَا الَّذِي قَبْلَهُ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى مِثْلَهُ) (همان، ج ۱۶، ۱۱۶) اگر چه صاحب جواهر فرموده در عقاب الاعمال مثل این روایت وارد شده است اما در نقل عقاب الاعمال تفاوتی وجود دارد:

اذا تركت امتی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فلیأذن بوقاع من الله جل اسمه
در این نقل به جای «تواکلت»، «ترکت» ذکر شده، البته لازمه توکل هم ترک است
و در واقع در این روایت لازمه آن ذکر شده است. بنابراین این که صاحب وسائل
فرموده «مثله» دقیق نیست.

از کلام مجلسی در ملاذ الاخیار جلد ۹ صفحه ۶۹ استفاده می شود در نسخه
تهذیب رایج در زمان ایشان عبارت «بوقاع» به جای «بوقاع» نقل شده فلذا می فرماید
در بعض نسخه ها «بوقاع» وجود دارد. طبق این نسخه روایت به این معنی است که
مشکلات بسیاری در اثر ترک امر به معروف به وجود می آید.

نکات سندی

ضعف سند به جهت محمد بن عرفه

در سند این روایت، محمد بن عرفه وجود دارد که توثیقی ندارد بنابراین سند محل
اشکال است. راه تخلص از اشکال، قائل بودن به مبنای صحت روایات کافی است که
در این صورت به واسطه شهادت کلینی می توانیم حکم به صحت آن کنیم.

اشتباه صاحب وسائل در نقل سند

نکته دیگر این که صاحب وسائل سند این روایت را ارجاع به سند روایت قبل داده
است. در سند روایت قبل، «محمد بن محمد بن عرفه» وجود دارد. اما در تمامی مصادر
دیگری که این روایت نقل شده مانند کافی، تهذیب و عقاب الاعمال «محمد بن عرفه»
است.

این احتمال که نسخه ایشان متفاوت بوده بعید است زیرا عادی نیست که نسخه
های سه کتاب کافی، تهذیب و عقاب الاعمال نزد ایشان چنین تفاوتی داشته باشد.
بنابراین این امر ناشی از اشتباه ایشان است.

۲. امام علی علیه السلام در وصیت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود:
 (وَلَا تَتْرُكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّى عَلَيْكُمْ أُشْرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ). (صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۲۱) امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید زیرا در این صورت افراد نادرست بر شما مسلط می گردند آنگاه دعا می کنید و دعایتان مستجاب نمی شود. در این حدیث امام حکم فرموده که این فریضه الهی را ترک نکند و ضرر ترک را هم روشن نموده است. بنابراین واجب است که امر به معروف و نهی از منکر را بجا بیاورند و ترک نکنند.

۳. عن ابی شیبیه الزهری عن احدهما علیهما السلام انه قال: لا دین لمن لا یدین الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۸۶) ابوشیبیه زهری از امام جعفر صادق علیه السلام به سند پدرش امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: هر کس به امر به معروف و نهی از منکر ایمان ندارد، دین ندارد و بی دین است..

۴. در حدیث دیگر امام علی علیه السلام فلسفه و علت و جوب امر به معروف و نهی از منکر را بیان فرموده است (فَرَضَ اللَّهُ الْإِيْمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا عَنِ الْكِبْرِ... وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ). خداوند «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی و... «امر به معروف» را برای اصلاح توده های ناآگاه مردم و «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها... واجب کرد. (صبحی همان) امام علت و جوب امر به معروف و نهی از منکر را اصلاح جامعه و عوام می داند بخاطر اینکه این طبقه بیشتر نیاز به اصلاح دارن و همین هاهستند که ملت را تشکیل می دهند اگر آنها اصلاح شدند دیگر جامعه اصلاح شده است لذا خداوند عالم امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمود و معلوم است که اصلاح تک تک افراد جامعه بدون امر و نهی ممکن نیست. (همان)

۳. اجماع

اولاً: خود مسئله امر به معروف و نهی از منکر از مسایل مهم اجتماعی است.
 ثانیاً: درباره جوب امر به معروف و نهی از منکر بین فقهاء و علماء هیچ اختلافی ندارد همه اجماع دارند که امر به معروف و نهی از منکر واجب است. اگر اختلافی

دارند در واجب کفائی بودن و یا عینی بودن یا واجب عقلی بودن و شرعی بودن آن اختلاف دارند لذا صاحب شرائع می فرماید: (الامر بالمعروف والنهی عن المنکر واجبان اجماعا) (محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۱) امر به معروف و نهی از منکر اجماعا واجب است.

صاحب جواهر در شرح شرائع الاسلام همه قول صاحب شرائع را تایید نموده و می فرماید: علاوه بر قرآن و سنت اجماع هم یکی از ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر است. (نجفی محمد حسن، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۵) این قول را ابن ادریس به همه (یعنی جمهور متکلمین از فقهاء) نسبت داده است. (ابن ادریس، ج ۲، ص ۲۲) و علامه حلی به اکثر فقهاء نسبت داده. (علامه حلی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۴۵۶) سید مرتضی، محقق حلی، ابوالصلاح حلبی، خواجه نصیر الدین طوسی و محقق کرکی... همه در کتابهای فقهی شان وجوب امر به معروف را اجماعی دانسته اند. و عبارت (لا خلاف فی وجوبهما) آورده است.

۴. عقل

امر به خوبی ها و نهی از بدیها دو اصل از اصول دینی پذیرفته شده در تمام ملل و اقوام عالم در طول تاریخ بشریت و زندگی بوده و خواهد ماند. چونکه این دو بردارنده منافع انسانها و منطبق با عقل و فطرت اند. زیرا فوایدی که در دو فریضه مهم مشاهده می شود زیاد است. البته خوبی ها و بدیها نزد اقوام گوناگون و مختلف هستند و برخی از دانشمندان و فقهاء (نجفی، محمد حسین، همان، ج ۲، ص ۳۵۸) می فرمایند: اگر در ادیان الهی بویژه در اسلام دستوری بروجوب این فریضه نداشته بود هر آینه عقل به ضرورت انجام آن حکم می کرد زیرا با توجه به منافع فراوان که در امر به نیکی ها و نهی از بدیها در جامعه وجود دارد انجام آن ضروری و ترک آن راقبیح و ضرر می شمارد. جلب منفعت و دفع ضرر از احکام ضروری و بدهی عقل است و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر جلب منفعت و دفع ضرر موجود است. پس عقل سالم هر عاقلی حکم به نیکی ها و منع از بدی ها مانند حسن عدل و قبح ظلم را کار خوب می داند و حکم می کند که امر به معروف و نهی از منکر واجب هستند و هر گاه مسئله ای

به این درجه بالا قرارگیرد ادیان الهی همه بر آن حکم عقل مهر تایید می زنند، لذا اکثر فقهاء وجوب امر و نهی را هم عقلی و هم شرعی می دانند و دلیل آن ها بر وجوب عقلی بودن امر به معروف و نهی از منکر لطف است. (شهیدین، شرح لمعه، ج ۱، ص ۱۸۱)

نتیجه گیری:

۱. امر به معروف و نهی از منکر یکی از مهمترین و اساسی ترین فرائض و واجبات الهی است مانند دیگر فرائض نماز، روزه، حج و جهاد و غیره و در وجوب این فریضه الهی هیچ گونه اختلافی وجود ندارد.
۲. امر در لغت معنای دستور، حکم و فرمان آمده و نهی برعکس آن منع کردن و بازداشتن کسی از چیزی آمده است. معروف در اکثر کتب فقهی و ادبی به معنای خوبی، نیکی، شناخته شده و شایسته آمده مفهوم مقابل آن منکر است که به معنای بدی، زشتی، ناشناخته و ناشایسته است. معروف تقسیم می شود به واجب و مندوب و منکر هم تقسیم می شود به حرام و مکروه.
۳. در اصطلاح امر به معروف عبارت است از دعوت نمودن به کارهای نیک و شایسته که آن کارها از نظر عقل و شرع و فطرت پاک خوب شایسته باشند و نهی از منکر عبارت است از دعوت به ترک کارها زشت، ناشناخته و بد که از نظر عقل و شرع و فطرت پاک بد، قبیح و ناشایسته باشد.
۴. وجوب امر به معروف و نهی از منکر توسط ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) ثابت است. و در وجوب آن بعد از حصول شرائط عمومی تکالیف مانند بلوغ، عقل، قدرت و علم و شرائط امر به معروف و نهی از منکر هیچ شکی ندارد.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ادریس، ابی منصور محمد، سرایر، ج ۲ ص ۲۲ به نقل از ینابیع الفقهیه، علی اصغر مروارید.
۲. ابن حمزه، محمد بن علی، الوسیله الی نیله الفضیله، به نقل از سلسله ینابیع الفقهیه.
۳. ابن فارس، معجم مقایس اللغه، ص ۱۰۰۹.
۴. ابن منظور، محمد مکرم، لسان العرب، ج ۱ ص ۲۰۳، احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۸.
۵. اخوند خراسانی، کفایه الاصول، ج ۱، ص ۱۲۱، موسسه نشر اسلامی ۱۵۲۲ ه.ق.
۶. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۹۰، دفتر تبلیغات اسلامی قم.
۷. امام خمینی، روح الله، تبیان دفتر ۲۱ در مقدمه، نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۷ ش.
۸. حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۲، دار احیاء التراث بیروت.
۹. حسین شیرازی، سید محمد، الفقه، ج ۴۸، ص ۱۸۳، دار العلوم بیروت ۱۴۰۶ ه.ق.
۱۰. الخاقانی، محمد محمدی طاهر آل بشیر، منهاج الصالحین، انتشارات امام حسن مجتبی ع ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۱. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۵، موسسه اسماعیلیان قم، ۱۳۶۴ ه.ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات قرآن کریم، انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۴۲۴.
۱۳. روحانی شیرازی، سید محمد صادق، فقه الصادق، ج ۱۳، ص ۲۴۲، موسسه دار الکتاب قم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۴. سبزواری، محمد باقر، تلخیص البیان به نقل از حکومت اسلامی، ویژه اندیشه فقه اسلامی موسسه مجلس خبرگان رهبری تهران.
۱۵. سجادی، دکتر سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲ ص ۱۰۴۷.
۱۶. سلار دلمی، ابی یعلی حمزه بن عبد العزیز، المراسم العلویه، به نقل از سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۷، ص ۶۷.
۱۷. سیستانی، سید محمد علی حسین، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۱۶، مطبع صدر قم.
۱۸. سیوری جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی الفقه القرآن، ج ۱ ص ۴۰۷، مکتبه المرتضویه تهران ۱۳۴۳ ش.
۱۹. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی، لمعه دمشقیه، ج ۱، ص ۸۹، نشر ناصر ۱۳۶۹ ه.ق.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین، روضه البهیة فی شرح لمعه دمشقیه، ج ۱ ص ۲۲۵، اعلام اسلامی، قم ۱۳۷۲ ه.ش.

۲۱. شهید ثانی، زین الدین الجبلی العاملی، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۱۰۱، موسسه معارف اسلامی ۱۳۷۶ه.ش.
۲۲. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۸شمسی،
۲۳. شیرازی؛ سیدمحمد حسینی، الفقه، ج ۴۸، ص ۱۷۸، دار العلم بیروت ۱۴۰۹ه.ق.
۲۴. صالح صبحی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲. شرح نهج البلاغه، مصطفی زمانی، ج ۴، ص ۲.
۲۵. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۶۸، موسسه اعلمی، بیروت لبنان، ۱۳۹۴ه.ق.
۲۶. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۲۳، دار احیاء التراث العربی ۱۳۳۶ه.ش.
۲۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۶، ص ۶۱۶، استان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۷ه.ش.
۲۸. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۰۸، دار الهلال بیروت، ۱۹۸۵م.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن، الاقتصاد، ص ۲۳۹، دار الاضواء بیروت .
۳۰. طوسی، محمد بن حسنبن علی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۰۰ه.ق.
۳۱. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۲، ج ۹، دار التعارف بیروت.
۳۲. عبد الکریم آل نجف، ترجمه عبد الله امینی، حکومت اسلامی، ویژه اندیشه فقه اسلامی، ج ۲۵، ش ۱۳۸۱، ۳ه.ش.
۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، منتهی الاصول، ج ۲، ص ۹۲۵.
۳۴. علامه حلی، جمال الدین ابی منصورالحسن، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۹۳.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن المطهر، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۴۲، موسسه آل البيت قم ۱۴۱۹ ق.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعہ، ج ۴، ص ۴۵۶، نشر اسلامی قم، ۱۴۱۸ه.ق.
۳۷. علم الهدی، سید مرتضی، وسایل المرتضی، ج ۳، دار القرآن، قم ۱۴۰۵ ق.
۳۸. کلینی محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه ۶ جلدی، ج ۱، ص ۱۱۸، حدیث ۲، نشر اسوه، قم ۱۳۷۹ه.ش.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۳، ص ۵۶، دار التعارف، بیروت ۱۴۱۳.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۶، وجوب امر ونهی، ح ۵۹، الوفاء بیروت ۱۴۰۳ه.ق.
۴۱. محقق اردبیلی، مولی احمد، مجمع الفوائد والبرهان فی شرح الارشاد الاذهان، ج ۷، ص ۵۳۸، نشر اسلامی قم ۱۴۰۹ه.ق.

۴۲. محقق ثانی، نورالدین حسین کرکی، حاشیه بر ارشاد الازهان علامه حلی، حیاة المحقق الکرکی، ج ۹، قم منشورات الاحتجاج ۱۴۳۳ه.ق.
۴۳. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۸ استقلال تهران ۱۳۷۰ه.ش.
۴۴. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج ۱ ص ۲۵۸، استقلال تهران، ۱۴۱۲ه.ق.
۴۵. محقق کرکی، علی ابن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۳، ص ۴۸۶، آل البيت ۱۴۱۴ ق.
۴۶. مروارید، علی اصغر، سلسله ینابیع الفقهیه، ج ۹، ص ۴۳.
۴۷. مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده و البرهان، ج ۷، ص ۵۳۵. نشر اسلامی ۱۴۰۶ق
۴۸. منتظری، حسین علی، ولایت فقیه، ترجمه محمد صلواتی، ج ۳، هاشمیون تهران، ۱۳۷۹ه.ش.
۴۹. منتظری، حسین علی، ولایت فقیه ترجمه مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، ص ۳۸۸، نشر تفکر قم ۱۳۷۰ه.ش.
۵۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۶۶، دار احیاء التراث العربی بیروت.
۵۱. نوری، طبرسی میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۶، موسسه احیاء التراث قم.
۵۲. نوری همدانی، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، بی تا.